

نقش مطالعات میان رشته‌ای در اعتلاء علوم انسانی

دکتر محبوبه فولادچنگ^۱

دکتر سیامک سامانی^۲

چکیده

بیش از یک قرن است که در اکثر دانشگاه‌های دنیا الگوی رشته‌مدار یا وابسته به رشته حاکم شده است. مطابق این الگو تأکید فزاینده‌ای بر تخصص و مزایای آن صورت می‌گیرد و تنها به متخصصان یا صاحب نظران یک رشته خاص اجازه داده می‌شود به پژوهش و ارائه نظریه در آن رشته بپردازند. در سال‌های اخیر، به دلیل پیچیدگی جوامع و گستردگی و تنوع مسائل، ناکارآمدی این الگو بیش از پیش آشکار شده، این امر از مهمترین انگیزه‌های رواج مطالعات بین رشته‌ای محسوب می‌شود. درک عمیق‌تر موضوع و شناخت بیشتر و کامل‌تر پدیده‌ها نیز انگیزه دیگر رواج این نوع تحقیقات می‌باشد.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

منظور از مطالعات بین‌رشته‌ای، فرایند درگیر شدن رشته‌های مختلف علمی در پاسخ‌گویی به یک سؤال، حل یک مسأله یا طرح یک موضوعی است که به‌علت پیچیدگی و وسعت زیاد آن قابل طرح و بررسی با استفاده از یک رشته واحد نیست. (کلین و نیوئل، ۱۹۹۸) در مطالعات میان‌رشته‌ای کارآمد از هر رشته علمی به‌عنوان یک منبع معتبر اطلاعاتی به تناسب استفاده می‌شود؛ بنابراین، چنین مطالعاتی، نه تنها با ترکیب اطلاعات به دانش جدیدی دست می‌یابند، بلکه درک کامل‌تری از تشابهات و تمایزات بین رشته‌ها نیز ایجاد می‌کنند.

تفاوت در مفروضه‌ها، دیدگاه‌ها، روش‌ها، زبان و اصطلاحات فنی هر رشته و موانع شناختی در انسان‌ها از جمله مشکلاتی است که استفاده از مطالعات میان رشته‌ای را محدود می‌سازد؛ درواقع انجام این نوع مطالعات مستلزم صبر و شکیبایی و تحمل دیدگاه‌های مختلف از جانب محققان است.

دراین مقاله، ابتدا به اهمیت و ضرورت گسترش تحقیقات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی و دانشگاه‌ها اشاره می‌شود، پس از آن به مفهوم تحقیقات میان‌رشته‌ای و شرایط انجام آن پرداخته می‌شود. موانع انجام این گونه تحقیقات و راه‌های غلبه بر این موانع نیز در ادامه مقاله مطرح خواهد شد.

واژگان کلیدی: تحقیقات میان‌رشته‌ای، علوم انسانی، دانشگاه